همبستگی با کارگران و توده های وسیع در ونزوئلا علیه حملات و تهدیدات امپریالیستی ایالات متحده

بیانیه ی حزب مارکسیست-لنینیست آلمان (MLPD) درباره ی ونزوئلا – چشم انداز انقلابی در مبارزه برای رهایی ملی و اجتماعی را تقویت کنید!

حزب مارکسیست-لنینیست آلمان (MLPD) تمام دمکرات ها و انقلابیون جهان را به دفاع از حق تعیین سرنوشت مردم ونزوئلا به دست خویش در برابر خرابکاری و تهدیدات مداخله گرانه ی ایالات متحده فرامی خواند! به سوی اعتراض جهانی قدرتمند در روز X در صورت وقوع یک براندازی یا کودتا! مبارزه با تمام دخالت های امپریالیستی از سوی ایالات متحده ی آمریکا، چین یا روسیه! پشتیبانی از برپایی احزاب قدرتمند، انقلابی راستین و مارکسیست-لنینیست و تدارک مشترک انقلاب سوسیالیستی بین المللی!

خودخوانی خوان گوایدو، رئیس مافوق ارتجاعی پارلمان به عنوان رئیس جمهور موقت ونزوئلا در تاریخ 23 ژانویه ی 2019، در هماهنگی نزدیک و تحت راهبری عملی امپریالیسم ایالات متحده قرار داشت. این تلاش کودتامانند به تصاحب قدرت بلافاصله ستایش و به رسمیت شناسی گروهی از دولت های دست راستی و نیافاشیست آمریکای لاتین را به همراه داشت. این امر، به ویژه به تحریک دولت فدرال آلمان، در مورد عمده ی کشورهای اتحادیه ی اروپا صدق می کند. مردم دمکرات جهان، صرف نظر از موضع سیاسی درباره ی دولت مادورو، باید با این مداخله ی گستاخانه قاطعانه برخورد کنند! محاصره های مربوطه دلیل اصلی بروز وضعیت اضطراری در میان توده های وسیع مردم در تأمین غذا، برق یا مراقبت های بهداشتی اساسی است. خرابکاری ایالات متحده ی آمریکا همچنین به به پدیدایی یک اوضاع جنگی جدید می انجامد.

در آغاز هزاره ی جدید، با شروع از خیزش مردمی آرخنتیناتزو در آرژانتین، یک حال و هوای ضدامپریالیستی انقلابی در میان توده های آمریکای لاتین گسترش یافت. بخش مهمی از طبقه ی کارگر و مردم در ونزوئلا خود را انقلابی می دیدند و در راه سوسیالیسم کوشیدند. توده های وسیع مردم از هوگو چاوز، رئیس جمهور کاریزماتیک، حمایت کردند. زیر شعار «انقلاب بولیواری» و راهنمای ایدئولوژیک «سوسیالیسم قرن 21»، اقدامات اجتماعی و اجتماعی-سیاسی فراگیری به رهبری چاوز، با نظر به نقش زنان در جامعه، ترویج مسکن غیرگران، آموزش و مراقبت بهداشتی رایگان – تحقق یافت. تمام این ها با درآمدهای نفتی که در آن زمان هنوز فراوان بود تأمین مالی می شد. با این حال، یک اقتصاد مستقل برپا نشد، مبنای غذایی به طور سنگینی وابسته به واردات باقی ماند، و نفوذ ابرانحصارهای بین المللی در بخش های مواد غذایی و خودروسازی دست نخورده رها شد. ملی سازی شرکت های نفتی به نحو گمراه کننده ای همچون انتقال به مالکیت عمومی تبلیغ شد. ونزوئلا به واقع یک کشور سرمایه داری وابسته باقی ماند.

از سال 2017، اتحادیه ی اروپا و دولت آلمان نیز به طور رسمی وارد اقدامات تحریمی علیه ونزوئلا شدند. با پیشتازی ایالات متحده ی آمریکا، حساب های خارجی مسدود، معاملات مالی بین المللی ممنوع و پرداخت ها در ازای عرضه های نفتی در حساب های مسدود تثبیت شدند. دارایی های ونزوئلا در خارج، به ویژه اقسام تولیدی و لژیستکی شرکت های نفتی دولتی، به زور از سوی شرکت های بین المللی پیشتاز به عنوان جبران سودهای از دست رفته به دلیل اصلاحات اجتماعی دولت سابق چاوز گروگیری شدند. مسئولیت این واقعیت که مرسولات مهم غذایی و پزشکی اساسی دیگر قابل پرداخت نیست، تحقق نمی یابد یا رد می شود، به طور دقیق متوجه همین اقدامات ایالات متحده و همچنین امپریالیسم اتحادیه ی اروپا است. افت فاحش قیمت های نفت و تنزل فراگیر در تولید صنعتی به دلیل فقدان اقسام یدکی، به یک سقوط دستمزدهای واقعی تا بیش از 75 درصد در سه سال گذشته انجامیده است. همزمان، تورم چهارنعل پیش می تازد. وضعیت عرضه در کشور، که به تقریب به تمامی به واردات وابسته است، به این ترتیب عامدانه وخیم تر و در عین حال منجر به یک مهاجرت توده ای شده است. به این سان، آن چه هایکو ماس وزیر خارجه ی آلمان، در عرصه ی عمومی از خود به عنوان «حافظ دمکراسی» و «دغدغه مند مردم ونزوئلا» جا می زند، یک عوام فریبی ناب است!

روسیه ی نوامپریالیست و چین سوسیال-امپریالیست با وام های فراوان و مرسولات تسلیحاتی، خودهاشان را به عنوان «شوالیه ها در زره ی درخشان» معرفی می کنند. آنها در انتظار امتیازات آتی نفتی و زدن به معادن طلا هستند. ونزوئلا نزدیک به 63 میلیارد دلار آمریکا به چین و روسیه بدهکار است، تازه پس از آن که بدهی های این کشور به بانک جهانی و صندوق بین المللی پول در دوره ی هوگو چاوز بازپرداخت شد. از سال 2014 ونزوئلا باید 13 درصد تولید نفتی خود را در ازای تأمین بدهی به چین می پرداخت. به این ترتیب، پانصدهزار بشکه نفت خام هر روز به چین تحویل می شد (منبع: NZZ, 07/25/2014). *شرکت ملی نفت* چین در پروژه های استخراجی متعددی در ونزوئلا حضور دارد. شرکت های نفتی و گازی روس، ورای سهام های حال حاضر خود، در حال طراحی تولیدات گاز طبیعی فراساحلی هستند. در دسامبر 2018 روسیه به یک توافق نامه ی سرمایه گذاری 5 میلیارد یورویی دیگر، از جمله در معدن کاری، در ونزوئلا دست یافت. تجاوزکاری امپریالیسم ایالات متحده در عین حال معطوف است به نفوذ رشدیابنده ی رقبای نوامپریالیستی مانند چین و روسیه در به اصطلاح «حیاط خلوت ایالات متحده ی آمریکا».

همان طور که از سوی ایکور (ICOR) در ژوئن 2017 اعلام شد، حزب مارکسیست-لنینیست آلمان در همبستگی تمام و کمال با «مردم ونزوئلا در مبارزه ی ایشان برای حق تعیین دمکراتیک سرنوشت خود» می ایستد. تمام نیروهای دمکراتیک به اعتراض جهانی علیه این مداخله ی امپریالیستی در حق حاکمیت ملی ونزوئلا فراخوانده می شوند.

ابتدا ددمنشانه یک وضعیت عرضه ی فاجعه بار برای توده های وسیع ایجاد می شود و سپس با نمایش به اصطلاح «ارسال کمک های بشردوستانه»، بهانه ای نظام مند برای اپوزیسیون حتا با توسل به مداخله ی نظامی مستقیم ایجاد می شود. این یک آتش بازی خطرناک است و خطر یک درگیری نظامی را به علاوه ی تقابل مستقیم نیروهای امپریالیستی مختلف در مبارزه بر سر نفوذ و دسترسی به این کشور دارای بزرگترین ذخایر نفتی جهان تحریک می کند. آن چه اکنون نیاز است، وحدت ضدامپریالیستی بین المللی است تا علیه هرگونه نفوذ امپریالیستی بایستد!

با این حال، آگاهی ضدامپریالیستی و انقلابی ریشه دار میان بخش های بزرگی از توده های ونزوئلا که بر مبنای تجربیات خویش از امپریالیسم ایالات متحده نفرت زده اند، فقط تا اندازه ای باید به مثابه ی حمایتی از مادورو در نظر گرفته شود. قرار دادن تجاوزکاری ایالات متحده و هم پیمانان آن به عنوان هدف اصلی نمی تواند به معنای دست شستن از انتقاد از سیاست های دولت مادورو باشد. بورژوازی حاکم تحت دولت او توسعه ی بیشتری یافت؛ سهام و بدهی خارجی (همچنین از ناحیه ی صفوف حزب چاوز و بخش نظامی در رسته ی اجرایی) حتا در عمیق ترین بحران اقتصادی تأمین شد، و فساد حتا در داخل دولت رشد کرد. وابستگی به امپریالیست ها به ویژه به چین و روسیه، به علاوه ی تمرکز تک بعدی بر صادرات نفت خام تعمیق شد، در حالی که همزمان مقادیر بزرگی از مواد غذایی اساسی وارد می شدند. این اقدامات هنوز که هنوزه از سوی مادورو توجیه می شود و انتقادات فزاینده از آن، با ادعای «آغاز یک برنامه، یک طرح، به سوی ساختمان سوسیالیسم بولیواری» طفره زده می شود (سخنرانی در چهارمین کنگره ی حزبی PSUV در جولای 2018، ترجمه از MLPD). از نقطه نظر ایدئولوژیک، مادورو همچنان مفهوم فریب آمیز سوسیالیسم قرن 21 را نشو و نما می دهد.

حزب مارکسیست-لنینیست آلمان پیشتر در سال 2011 در کتاب «بامداد انقلاب سوسیالیستی بین المللی» خصلت این سیاست را تببین کرده بود:

*«برنامه ی ضدامپریالیستی بورژوایی ̓سوسیالیسم قرن 21 ̔ یک توهم است، و مضامین آن هر چیزی ست مگر انقلابی. ملی سازی، یک تلاش برای رسیدگی به مسئله ی قطعی است – مسئله ی قدرت.*

*روابط مالکیت وقتی که مالک تغییر می کند، دست خوش تغییر نمی شود...*

*برقراری دولت های ضدامپریالیستی چپگرا در بهترین حالت نفوذ قطعی سرمایه ی مالی بین المللی بر این کشورها را کاهش داده اما بر دیکتاتوری آن غلبه نکرده است. در راستای یک سیاست اجتماعی فراگیر و یک سیاست اصلاحات از بالا که برای جلوگیری از تشدید بیشتر مبارزه ی طبقاتی طراحی شده بود، امتیازات صرف برای منافع ملی توده ها حاصل شد. این امر وضعیت زندگی مردم را بهبود بخشید و امکانات ساختن سازمان های خودران توده ها را توسعه داد. همزمان اما ضرورت برپایی یک جنبش ضدامپریالیستی انقلابی قدرتمند زیر سوآل رفت.» (اشتفان انگل، «بامداد انقلاب سوسیالیستی بین المللی»، صص. 501-502)*

پیش بینی صورت گرفته در این کتاب درست از آب درآمد:

*«تمام ضدامپریالیست ها باید از این واقعیت آگاه باشند که امپریالیست ها تا ابد کنار نمی ایستند و تماشاچی چنین پیشرفت هایی نخواهند بود. به مجرد آن که تهدیدی جدی برای منافع خود پیدا کنند و وضعیت را مناسب بیابند، برای حذف این قبیل دولت ها دست به کار خواهند شد.» (همانجا، ص. 502)*

در پایان، تئوری «سوسیالیسم قرن 21» عبارت است از یک تئوری رویزیونیستی مسیر صلح آمیز به سوی سوسیالیسم. تئوری مزبور تشتت عظیمی در جنبش انقلابی بین المللی به راه انداخت، و به خفه کردن آمال انقلابی توده ها، به ویژه در آمریکای لاتین در آغاز هزاره، خدمت کرد و ایشان را به مسیرهای رفورمیستی و پارلمانی کشاند.

تئوری «سوسیالیسم قرن 21» با تکامل در ونزوئلا به تمامی شکست خورده است – نه سوسیالیسم، بلکه فریب «گذار دمکراتیک» کشورهای تحت ستم نواستعماری به کشورهای دارای حق حاکمیت ملی مستقل از امپریالیسم و فریب گذار صلح آمیز به سوسیالیسم در آشفتگی خود پایان یافت.

با این وجود، ادعای ونزوئلا برای استقلال از امپریالیسم ایالات متحده خاری در چشم آن و مانعی جدی بر سر رقابت بین المللی باقی می ماند. امپریالیست های ایالات متحده و سرمایه ی مالی بین المللی هر چه در توان دارند می کنند تا این کشور دارای بزرگترین ذخایر نقتی جهان به انقیاد استثمار نواستعماری آن ها برگردد.

شکست رسوای این توهمات، توسعه ی منفی وضعیت زندگی توده ها و تکامل های بحران خیز وخیم در این کشور، با ناامیدی، کناره گیری و جهت گیری های نادرست در میان توده ها توأم خواهد بود تا زمانی که یک آلترناتیو سوسیالیستی واقعی را پیدا نکنند. از این رو، کمک به برپایی سازمان های انقلابی راستین که بتوانند از این تشتت ایدئولوژیک، بحران اقتصادی و سیاسی سیستم و اوضاع فاجعه بار زندگی نتایج سازنده برگیرند از اهمیتی حیاتی برخوردار است. آینده ی مردم ونزوئلا در مبارزه برای رهایی ملی و اجتماعی واقعی همچون بخشی از انقلاب سوسیالیستی بین المللی نهفته است.

به این منظور، نیروهای مارکسیست-لنینیست و انقلابی در ونزوئلا و سراسر جهان باید در تقویت و برپایی حزب مستقل خود درگیر شوند. به ویژه ما انقلابی های آلمان می توانیم این را در نتیجه ی تجربیات تلخ و آموزنده ی انقلاب نوامبر 1918 در آلمان تأیید کنیم. یک صد سال پیش، نیروهای انقلابی خیلی دیر راه خود را از سوسیال دمکراسی جدا کردند، حزب کمونیست بسیار دیرهنگام تشکیل شد. حزب کمونیست آلمان (KPD) زمانی بنیان گذاری شد که وضعیت انقلابی فروکش کرده بود. انقلاب به نحوی خونبار سرکوب شد، نیروهای بورژوایی ارتجاعی قدرت دولتی را قبضه کردند و رهبران انقلاب، کارل لیبکنشت و رزا لوگزامبورگ، وحشیانه به قتل رسیدند. در نتیجه: ساختن حزب مارکسیست-لنینیست انقلابی را قاطعانه پیگیری کنید!

همبستگی بین المللی مستلزم موارد زیر است:

**دست از ونزوئلا کوتاه! علیه هر گونه وابستگی و مداخله ی امپریالیستی!**

**زنده باد همبستگی بین المللی!**

**به سوی برپایی یک جبهه ی متحد ضدفاشیستی و ضدامپریالیستی!**

**ایکور، گردهمایی بزرگ انقلابیون جهان، را قدرت بخشید!**

**به سوی تدارک انقلاب سوسیالیستی بین المللی!**

ترجمه ی آرش گنجی، 12/1/98